

بامحوریت

احتلالات یادگیری

آشنایی بیشتر با دست‌بندی کودکان با نیازهای ویژه

آشنایی با بهترین زمان برای کوهنوردی

آشنایی بیشتر با زندگی حضرت علی (ع)



شناسنامه



گاهنامه علمی، مذهبی و سیاسی بانگ امید

شماره ۲. سال اول. اسفند سال ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: انجمن علمی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید چمران

شماره مجوز: ۵۰۸۰۰ / ۵۳۴۰ / ۱۰۰ / ۱ د

مدیر مسئول: مهدی مشفق

سر دبیر: سید علی میر جعفری

همکاران این شماره: حمید رضا گودرزی، سید علی شریعتمداری، عرفان مختار پور هاشجین، پارسا کریمی

ارتباط با ما (روی نوشته کلیک کنید)

OMID_CFU

فهرست



****بخش علمی**

اختلالات یادگیری: ۸-۴

آشنایی بیشتر با کودکان دارای نیازهای ویژه: ۱۲-۹

****بخش ورزشی**

آشنایی با بهترین زمان برای کوهنوردی: ۱۶-۱۳

****بخش مذهبی**

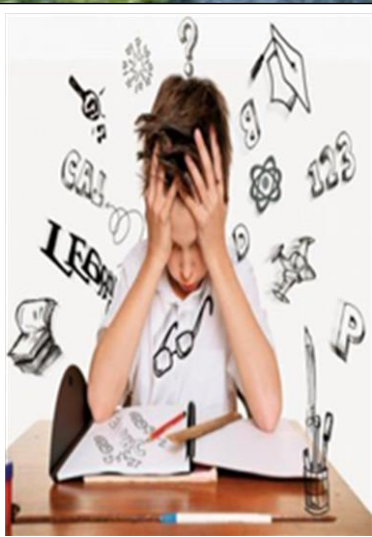
آشنایی بیشتر با زندگانی حضرت علی (ع): ۲۲-۱۷

****منابع: ۲۳**

اختلالات یادگیری معضلی برای آموزش

نویسنده: حمیدرضا گودرزی

(دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی پردیس شهید چمران تهران)



یکی از مشکلاتی که امروزه معلمان در کلاس درس با آن مواجه هستند این است که بعضاً "دانش آموزانی در کلاس درس وجود دارند که در یک یا چند زمینه درسی دچار مشکل هستند اما در باقی دروس مشکل خاصی ندارند و حتی از لحاظ هوشی این دانش آموزان ممکن است باهوش تر از باقی دانش آموزان یا حتی در سطح دیگر دانش آموزان باشند (نقل به مضمون، روانشناسی تربیتی سانتراک). "از سال ۱۹۵۰ میلادی به بعد، توجه مریبان، روان شناسان و پزشکان به گروه خاصی از کودکان و آموزش آنان معطوف گشت، که از نظر جسمی و مغزی دارای هیچ گونه عارضه مشخصی نیستند، ولی دچار نارساییهای ویژه یادگیری و گاهی اوقات نابهنجاریهای رفتاری میباشند" (دکتر عزت الله نادری، دکتر مریم سیف نراقی ۱۳۹۹). متخصصان آموزشی با بسیاری از کودکان روبه رو می شوند که دچار اختلالات یادگیری هستند اما در علم پزشکی هیچ گونه علامتی ناشی از نابهنجاری های عصبی، یا ضایعات مغزی در آنها نمی یابند؛ درحالی که کودکان دیگری هستند که دچار ضایعات مشخص شده مغزی اند. ولی هیچ گونه اشکالی در یادگیری ندارند. بنابراین نام گذاری این اختلال با عناوینی نظیر: ضایعات مغزی، ضایعات خفیف مغزی و آسیب های عصبی چندان درست نمیباشد (همان نقل به مضمون). اکنون لقب نارساییها ویژه یادگیری را برای این گونه کودکان که با وجود هوش بهنجار در یک یا چند زمینه مانند: خواندن، نوشتن، سخن گفتن، فهم ریاضی و..... دچار اشکلات یادگیری هستند به کار میبرند. همانطور که بیان شد کودکان با نارساییهای یادگیری در زمینه های مختلفی دچار مشکل و اختلال هستند، که در این پژوهش به توضیح و تشریح برخی از آنها خواهیم پرداخت.

۱.۱) کودکان با دشواریهای حرکتی

"مشکلات حرکتی کودکان ممکن است از جنبه های مختلفی مورد توجه قرار گرفته شود که در این پژوهش به ۲ دسته از آنها اشاره میشود:

الف) تواناییهای حرکتی مربوط به عضلات بزرگ، مانند چهار دست و پا رفتن، پریدن، و....

ب) تواناییهای حرکتی مربوط به عضلات ظریف مانند سوزن نخ کردن، قیچی کردن و...." (دکتر عزت الله نادری، دکتر مریم سیف نراقی ۱۳۹۹)

۱.۲) کودکان با دشواریهایی در تشخیص و درک بینایی

"متخصصان زیادی، از پژوهشهای خود دریافتند که کودکان با نارساییهای ویژه یادگیری گرچه از دید کافی یا قدرت بینایی لازم برخوردارند، اما مشکلاتی در تشخیص و درک بینایی دارند. شناسایی و تصحیح مشکلات کودکان در تشخیص و درک بینایی به علت بستگی که این امر با موفقیت در توانایی خواندن با استفاده از روش "نگاه کردن و گفتن" دارد، اکثراً مورد توجه مربیان و متخصصین کودکان استثنایی بوده است. موارد شدید این حالت را "آگنوزی بینایی" می نامند. مشکلات عمده کودکان با دشواری در تشخیص و درک بینایی عبارت است از:

الف) تشخیص یا شناخت شکلهای هندسی گوناگون به ویژه زوایا

ب) جور کردن اشیاء بر اساس شکل و اندازه آنها

ج) تشخیص و درک تصویر اصلی از زمینه آن یا تشخیص جزء از کل.

د) تشخیص حروف و کلمات از یکدیگر. " (نقل به مضمون از دکتر عزت الله نادری، دکتر مریم سیف نراقی ۱۳۹۹)

۱.۳) کودکان با دشواریهایی در تشخیص و درک شنوایی

این گروه از کودکان با اینکه از قدرت شنوایی کافی برخوردارند، اما در کیفیت شنوایی دچار مشکل هستند، یعنی در تشخیص یکسری از کلمات که از لحاظ آوایی شبیه به هم هستند دچار مشکل میشوند، مانند: اسپ - است، میز - ریز و.....

۱.۴) کودکان با دشواریهایی در خواندن و هجی کردن

"مشکلات خواندن از اساسی ترین مشکلاتی است که کودکان با نارساییهای ویژه یادگیری با آن مواجه هستند، زیرا کودکی که نمیتواند بخواند شانس بسیار کمی جهت موفقیت در مدرسه دارد. صدمه به مراکز مغز که کنترل تکلم، شنوایی، بینایی را بعهده دارند نیز میتواند نارساخوانی را به وجود آورد. کودکان نارساخوان اکثراً مشکلاتی در جهت یابی فضایی، تشخیص راست و چپ، بالا و پایین دارند (دکتر عزت الله نادری، دکتر مریم سیف نراقی ۱۳۹۹ نقل به تلخیص)."

۱.۵) کودکان با دشواریهای اساسی در نوشتن

"مشکلات نوشتن در بین کودکان با صدمات مغزی، کودکان با آسیب های خفیف مغزی و کودکان با نارساییهای ویژه یادگیری اکثراً دیده میشود. این کودکان معمولاً آینه نویسی یا وارونه نویسی میکنند، یا بسیار بد خط مینویسند (نقل به مضمون از دکتر عزت الله نادری، دکتر مریم سیف نراقی ۱۳۹۹ و دکتر مصطفی تبریزی ۱۳۹۷)."

"همانگونه که در تعریف کودکان با نارساییهای یادگیری آمده است، این کودکان از بهره هوشی تقریباً عادی برخوردارند، از نظر حواس بینایی و شنوایی سالمند، دارای امکانات محیطی و آموزشی نسبتاً مناسبی هستند؛ همچنین محرومیت های شدید عاطفی ندارند. اما با وجود این، در یک یا چند زمینه درسی دچار مشکلات اساسی هستند، لذا برای تشخیص این گونه کودکان اول باید بهره هوشی آنان سنجیده شود، سپس از نظر حواس مختلف و نقایص جسمانی مورد آزمایش قرار گیرند و نیز از نظر عاطفی و محرومیت های شدید محیطی موقعیت آنان مطالعه و بررسی شود و سرانجام مشکل اختصاصی و ویژه آنان دقیقاً مشخص گردد. اولین مرحله جهت تشخیص این است که مشخص شود الف، آ یا مشکل جنبه ویژه دارد یا کلی؟ ب. آیا این مشکل در رابطه با تواناییهای یادگیری اوست یا در اثر عوامل دیگری به وجود آمده است؟ برای روشن شدن مطلب، آزمون هوش انفرادی در مورد شاگرد انجام میگردد و مشخص میشود که او دارای هوش طبیعی است یا خیر. همچنین میبایست گذشته شاگرد مورد بررسی قرار گرفته شود که آیا معلمان خوبی داشته؟ آیا دارای هوش طبیعی است؟ آیا در کلاس به صورت منظم حضور داشته و.... در این صورت میتوان فهمید که مشکل شاگرد جنبه ویژه دارد یا خیر، و با تواناییهای یادگیری در اثر عوامل دیگری است یا خیر.

دومین مرحله، پیدا کردن عامل یا عواملی است که باعث به وجود آمدن مشکل یادگیری شده است. عوامل گوناگونی باعث شکست دانش آموز در یادگیری میشود. مانند فقر اقتصادی، غیبت بیش از حد، معلم به شیوه درست تدریس نکرده است، دچار نواقص جسمانی میباشد، و به طور کلی در این مرحله کلیه آزمایشات پزشکی انجام میگردد و نتایج حاصل از آن کمک ویژه ای به ما میکند.

سومین مرحله، تجزیه و تحلیل رفتارهایی است که مشکل دانش آموز را به صورت عینی روشن میکند این بدان معناست که باید دقیقاً چگونگی اشکال دانش آموز شناسایی گردد.

در مرحله چهارم، متخصص باید نتیجه تشخیصی خود را براساس رفتارهای آشکار و عینی و نیز عواملی که با آنها بستگی دارد، ارائه دهد به عبارت دیگر، کار این مرحله با در نظر گرفتن مراحل دوم و سوم انجام میگردد.

در مرحله پنجم و آخر، به وجود آوردن یک برنامه منظم ترمیمی براساس نتیجه تشخیصی است. در حقیقت هدف مهم و اساسی در هر تشخیصی تولید یک برنامه ترمیمی مناسب و موثر برای دانش آموز دارای اختلال میباشد. این مرحله براساس نتایج به دست آمده از مرحله چهارم در نظر گرفته شده است و هدف آن کاستن مشکلات دانش آموز و در صورت امکان برطرف ساختن دشواریهای اوست. (نقل به مضمون از دکتر عزت الله نادری، دکتر مریم سیف نراقی ۱۳۹۹).

راهکارهای درمان و آموزش به کودکان دارای اختلال نوشتن و خواندن:



۱- نوشتن حروف روی شن.

نوشتن حروف روی شن به کودک کمک می‌کند از حواس بینایی، شنوایی و لامسه خود برای ارتباط بین حروف و صدایشان بهره ببرد. کودک مقدار زیادی شن را بر روی زمین صافی می‌ریزد و با انگشتان خود تلاش می‌کند تا یک حرف و یا یک کلمه را بنویسد و در حین نوشتن، صدای آن را نیز با صدای بلند بیان می‌کند. با ترکیب صدای حروف، کودک کل کلمه را ادا می‌کند.

۲- خواندن کتاب داستان یا پخش داستان‌های صوتی.

از ۶ ماهگی برای کودکان کتاب داستان با صدای بلند و آرام بخوانید و یا کتاب داستان‌های صوتی برایش پخش کنید. همانگونه که ذکر شد، درمان اختلال خواندن (دیسلکسیا) هرچقدر در سنین پایینتر صورت پذیرد، کودک پی پس از آنکه داستان را برای کودک خواندید و یا خود کودک داستان را خواند، از او می‌خواهید تا داستان را به زبان خودش خلاصه کرده و بیان کند.

۳- درمان اختلال خواندن با بازی

به طور مثال، وقتی در حال سفر هستید، می‌توانید نام اشیا و یا چیزهایی که می‌بینید را انتخاب کنید و از کودک بخواهید حدس بزند منظور شما چه کلمه‌ای است. به طور مثال، شما کلمه بوقلمون را به صورت بق-ل-مون بیان می‌کنید و کودک می‌گوید بوقلمون. این تمرین را به صورت برعکس نیز می‌توانید انجام دهید. کودک در این حالت چیزی را انتخاب می‌کند و آن را به صورت جدا جدا تلفظ می‌کند و شما حدس می‌زنید منظور او چه می‌باشد. حالت دوم برای کودک دشوارتر است.

۴- سعی کنید کتاب‌های طنز و کتاب داستان‌های همراه با تصویر تهیه کنید و با کودک بخوانید.

سه کاغذ رنگی (زرد- سبز- آبی) را جلوی خود بگذارید و زمانی که یک کلمه را بیان می‌کنید، دستتان را روی رنگ‌های مختلف حرکت دهید.

به‌طور مثال، برای بیان کلمه گربه اینگونه عمل کنید. با تلفظ گ دستتان را بر روی رنگ زرد بگذارید، با تلفظ ر دستتان را بر روی رنگ سبز بگذارید و با تلفظ ب دستتان را بر روی رنگ آبی قرار دهید. حال از کودک بخواهید حروف را با هم ادا کرده و دستش را بر روی رنگ‌ها حرکت دهد. در این مرحله می‌توانید یکی از کاغذهای رنگی را بردارید و از کودک بپرسید حالا چه حروفی باقی‌مانده است.

در این بازی، کودکان به قید قرعه کارت‌هایی را که عکس اشیا بر روی آن است، انتخاب می‌کنند و سپس با ادای هر حرف آن، یک قدم به جلو حرکت می‌کنند. به‌طور مثال، اگر عکس قوری بر روی کارت باشد، کودک با تلفظ هر حرف، یک قدم به جلو می‌رود. ق-و-ر-ی ۴ حرف دارد و کودک چهار قدم به جلو می‌رود. هر کس زودتر به خط پایان برسد، برنده است.

۶- کتاب‌های شعر برای درمان اختلال خواندن (دیسلکسیا) بسیار مفید است.

خواندن آهنگ‌های ریتمیک و دارای قافیه، به آشنایی کودک با صداها و مرتبط با حروف کمک می‌کند. بخشی از آهنگ را بخوانید و کودک را تشویق کنید تا با شما همراهی کرده و باقی آن را بگوید. کلمات هم قافیه را به‌عنوان بازی می‌توانید استفاده کنید. به‌طور مثال: شما بگویید تشت و او بگوید رشت، بازی- نازی، دوچرخه- می‌چرخه و ...

۷- از علاقه کودک به وسایل ارتباط جمعی بهره ببرید.

اگر کودک به ورزش علاقه دارد، پست‌های ورزشی را به همراه یکدیگر در اینترنت، مجله و یا روزنامه دنبال کنید. از او بخواهید مطالب مورد علاقه ورزشی را بخواند و برای شما توضیح بدهد.

۸- اجازه دهید کودکان شما را در حال کتاب خواندن ببیند.

کودکان مشاهده‌گران بسیار دقیقی هستند. اگر کودکان ببینند که والدین آنها کتاب می‌خوانند، به خواندن علاقمند می‌شوند. اگر کودک، شما را هنگامی که با علاقه و هیجان به کتاب خواندن مشغول هستید، ببیند، به خواندن علاقمند می‌شود. در خانه فضایی را برای مطالعه کردن اختصاص بدهید. یک میز راحتی با یک کتابخانه کوچک در یک گوشه اتاق که نور کافی دارد، قرار دهید. تا جای ممکن این فضا را دلنشین کنید.

۹- کودک را به سفر مطالعاتی ببرید.

او را به‌طور منظم به کتابخانه ببرید و او را با مولفین مختلف آشنا کنید.

۱۰- از طریق بازی و تفریح، رابطه بین کلمات را برای کودک توضیح دهید.

به‌طور مثال، وقتی در خیابان راه می‌روید و روی تابلویی نوشته شده است: «ایست»، شما در قالب بازی از کودک می‌خواهید واژه‌های مرتبط مانند ایستگاه، ایستادن و ایستاده را پیدا کند و یا بعد از آنکه مادر بیان کرد، با صدای بلند تکرار کند.

۱۱- استفاده از اپلیکیشن‌های موجود در اینترنت.

در اینترنت، اپلیکیشن‌های بسیار مفیدی وجود دارد که والدین می‌توانند برای درمان اختلال خواندن (دیسلکسیا) کودک خود از آنها استفاده کنند. این اپلیکیشن‌ها در قالب بازی و به‌کارگیری حواس بیشتری از کودک، خواندن را به او آموزش می‌دهند.

پس از آنکه والدین، مشکل اختلال یادگیری خواندن را در کودک خود تشخیص دادند، بهتر است آن را با معلم مدرسه در میان بگذارند. اگر معلم با این اختلال آشنا نمی‌باشد، والدین باید ویژگی‌های کودک خود را برای او توضیح دهند تا او را نیز در روند درمان اختلال یادگیری خواندن کودک خود همراه کنند. در خانه و مدرسه برای این کودکان باید امکانات ویژه‌ای مهیا شود تا کودک راحت‌تر بر اختلال یادگیری خواندن خود غلبه کند. این امکانات شامل:

*** تهیه کتاب‌های صوتی

*** فعالیت‌هایی که کودک باید انجام دهد و جداول آموزشی به‌صورت عکس درآید و تنها نوشتاری نباشد

*** استفاده از متونی با حروف درشت

*** نشانگر کلمات (Bookmarks) به‌جهت دنبال کردن واژه‌ها توسط کودک

*** دادن وقت اضافه برای خواندن و نوشتن به کودک

والدین و معلمان با به‌کارگیری نکات فوق می‌توانند به درمان اختلال خواندن کودک و شاگردان خود کمک کنند. درمان اختلال خواندن اگرچه کاملاً ممکن نمی‌باشد، ولیکن با تشخیص به‌موقع و زودهنگام آن می‌توان پیشرفت کودک را تضمین کرد. (وبسایت تخصصی روانشناسی دکتر سنایی ۱۳۹۶)

مروری بر دسته بندی کودکان با نیازهای ویژه



نویسنده: سید علی شریعتمدار

(دانشجوی کارشناسی رشته آموزش کودکان استثنایی پردیس شهید چمران تهران)



عده‌ای از کودکان به اندازه‌ای با کودکان دیگر فرق دارند که باید توجه خاصی به آن‌ها داشت. این تفاوت به طور کلی در تمام خصوصیات جسمانی، عاطفی، عقلانی و اجتماعی آنان دیده می‌شود و در سازگاری آن‌ها با محیط اجتماعی اشکال و مانعی بزرگ ایجاد می‌کند. به همین منظور، تا همین چند وقت پیش به این دسته از افراد اجتماع «استثنایی» می‌گفتند. اما از یک طرف، واژه استثنایی معمولاً کاستی‌ها و تفاوت‌های منفی را در ذهن تداعی می‌کند و از طرف دیگر، همه کودکان متفاوت یا نیازمند برنامه خاص را پوشش نمی‌دهد. به همین دلیل، در حال حاضر، اصطلاح کودکان «با نیازهای ویژه» به جای کودکان استثنایی به کار می‌رود. کودکان با نیازهای ویژه کودکانی هستند که علاوه بر ویژگی‌ها و نیازهای کودکان عادی، ویژگی‌ها و نیازهای خاصی دارد. از نظر آموزشی، دانش آموز با نیازهای ویژه، از نظر شناختی، هوشی، جسمی (حسی-حرکتی)، عاطفی و اجتماعی تفاوت قابل ملاحظه‌ای با افراد هم‌سن خود دارد. این تفاوت به حدی است که برخورداری وی از آموزش و پرورش، مستلزم تغییراتی (متناسب با ویژگی‌های این دانش‌آموزان) در برنامه‌ها، محتوا، روش‌ها، مواد و فضای آموزشی عادی و ارائه خدمات آموزشی و توان بخشی ویژه به اوست.

تعریف کودکان با نیازهای ویژه بر اساس DSM.5: کودکان با نیازهای ویژه کودکانی هستند که از کودکان عادی یا متوسط، از چند لحاظ تفاوت دارند :

۱) توانایی‌های ذهنی (۲) توانایی‌های حسی (۳) توانایی‌های ارتباطی (۴) رشد رفتاری و هیجانی (۵) ویژگی‌های جسمی

این تفاوت‌ها باید در حدی باشند که فعالیت‌های مدرسه نیاز به تغییر داشته باشد و خدمات آموزشی ویژه‌ای ارائه شود تا کودک بتواند توانایی‌های منحصر به فرد خود را رشد دهد بنابراین کودکان به علت شرایط ویژه (استثنایی) خود به نوعی آموزش و پرورش ویژه نیاز دارد.

دسته‌بندی‌های گوناگونی برای نامگذاری افراد با نیازهای ویژه در نظر گرفته‌اند. در یک دسته‌بندی این افراد در هشت دسته تقسیم می‌شوند: ناشنوا و کم‌شنوا، نابینا و کم‌بینا، دارای معلولیت جسمی-حرکتی، کم‌توان ذهنی، دارای اختلالات ارتباطی، دارای اختلالات رفتاری، دارای اختلالات یادگیری و تیزهوش و با استعداد.

۱. دانش‌آموزان ناشنوا و کم‌شنوا

الف) دانش‌آموز ناشنوا به فردی گفته می‌شود که با میزان باقی‌مانده شنوایی خود، با وجود استفاده از وسایل "کمک شنوایی" نتواند گفتار دیگران را از طریق حس شنوایی بشنود. به عبارت دیگر، میزان ناتوانی حس شنوایی او ۷۰ دسی بل یا بیشتر است و بنابراین از یادگیری از طریق حس شنوایی محروم است.

ب) دانش‌آموز کم‌شنوا فردی است که میزان باقی‌مانده شنوایی وی در حدی است که می‌تواند با استفاده از وسایل کمک شنیداری و برنامه‌های توانبخشی، زبان و گفتار را از طریق کانال شنوایی دریافت کند. دانش‌آموزان کم‌شنوا در مقایسه با دانش‌آموزان ناشنوا مشکلات کمتری دارند و در صورت تشخیص و مداخله به موقع در زمینه دریافت وسایل کمک شنیداری و برنامه توانبخشی، می‌توانند در کنار دانش‌آموزان عادی تحصیل کنند. هر اندازه درجه نقص شنوایی دانش‌آموزی کمتر باشد، به آموزش ویژه کمتری نیاز دارد.

الف) دانش‌آموز نابینا به فردی گفته می‌شود که بینایی ندارد یا میزان باقی‌مانده بینایی او، با وجود استفاده از وسایل «کمک بینایی»، به حدی کم و محدود است که آموزش وی از طریق روش‌های آموزشی «خط بریل» صورت پذیرد. حداکثر بینایی این گروه از ۲۰۰/۲۰ کمتر است و با زاویه دید آن‌ها در بزرگترین قطر از ۲۰ درجه بیشتر نیست. این دانش‌آموزان به آموزش ویژه نیاز دارند، چرا که آموزش آن‌ها باید از طریق سایر حواس انجام پذیرد.

ب) دانش‌آموز کم‌بینا دانش‌آموزی است که میزان باقی‌مانده بینایی او با استفاده از وسایل «کمک بینایی» به حدی کم و محدود است که قادر به استفاده از خطوط کتاب‌های عادی نیست و برخورداری وی از آموزش و پرورش مستلزم استفاده از وسایل «کمک بینایی» مخصوص یا کتاب‌های «درشت خط» است. حداکثر بینایی اصلاح شده چنین دانش‌آموزانی از ۲۰۰/۲۰ بیشتر و از ۷۰/۲۰ کمتر است.

۳. دانش‌آموزان معلول جسمی و حرکتی

دانش‌آموز معلول جسمی- حرکتی دانش‌آموزی است که با وجود برخورداری از بهره‌های هوشی معمول به علت مشکلات جسمی - حرکتی شدید، به استفاده مؤثر از امکانات آموزشی مدرسه‌های عادی قادر نیست. این‌گونه دانش‌آموزان، اگر ترک تحصیل نکنند، ممکن است از نظر پیشرفت تحصیلی دچار عقب ماندگی نشوند، اما ناتوانی حرکتی گاهی در آن‌ها مشکلاتی همچنانی مانند حساسیت بیش از حد و تحریک‌پذیری زیاد به وجود می‌آورد.

۴. دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی

دانش‌آموز کم‌توان ذهنی فردی است که عملکرد عمومی هوشی او به طور قابل ملاحظه‌ای پایین‌تر از میانگین باشد (بهره هوشی پایین‌تر از ۷۰) و در رفتار سازشی مشکلاتی داشته باشد که در دوران رشد پدیدار شده باشند. کودکان کم‌توان ذهنی از نظر آموزشی به سه گروه «آموزش‌پذیر»، «تربیت‌پذیر» و «حمایت‌پذیر» تقسیم می‌شوند و سازمان آموزش و پرورش استثنایی مسئولیت تعلیم‌تربیت دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی «آموزش‌پذیر» را بر عهده دارد.

۵. دانش‌آموزان با اختلالات ارتباطی

اختلال‌های ارتباطی (مشکلات گفتار و زبان) را آسیب در توانایی دریافت، ارسال، پردازش و درک مفاهیم تعریف می‌کنند. اختلال‌های ارتباطی اغلب به تنهایی در کودکان بروز می‌یابند، اما بروز این مشکلات به عنوان مشکلات ثانویه همراه با کم‌توانی ذهنی، آسیب شنوایی و معلولیت جسمی هم کاملاً رایج است. مشکلات گفتار و زبان بر یادگیری در همه حیطه‌های برنامه درسی اثر منفی دارد. همچنین این اختلال باعث انزوای اجتماعی، اضطراب و افسردگی می‌شود.

۶. دانش‌آموزان دچار اختلالات رفتاری

دانش‌آموز با اختلالات رفتاری به فردی گفته می‌شود که با وجود دارا بودن هوش مرزی یا بالاتر، رفتار اجتماعی - عاطفی وی از حیث فراوانی، شدت، مداومت و شرایط ظهور، تفاوت معنی‌داری با رفتار افراد هم‌سن خود داشته باشد و این تفاوت مانع استفاده او از آموزش و پرورش عادی می‌شود.

هدف کلی از آموزش و توانبخشی این گروه از دانش‌آموزان، پیشگیری، شناسایی، ارزیابی، اصلاح و کاهش مشکلات رفتاری و ارائه خدمات متناسب به منظور ایجاد سازگاری مطلوب در زمینه‌های فردی و اجتماعی و تا حد امکان بازگشت آنان به جریان آموزش و پرورش عادی است.

۷. دانش‌آموزان دچار اختلالات یادگیری

این دانش‌آموزان، با وجود برخورداری از هوش طبیعی و نداشتن نقص‌های حسی یا آسیب‌های شدید مغزی و مشکلات شدید عاطفی - اجتماعی، قادر به بهرگیری کامل از امکانات آموزش و پرورش عادی نیستند و در یک یا چند ماده درسی ضعف محسوس و مشهود دارند.

۸. دانش‌آموزان تیزهوش و با استعداد

دانش‌آموزان تیزهوش و با استعداد کسانی هستند که دارای توانایی‌های برجسته‌اند و قادر به انجام امور در سطحی عالی می‌باشند. این افراد دارای هوش‌بهر بسیار بالا (بیشتر از ۱۳۰) هستند و با همسالان خود در ویژگی‌های گوناگون از جمله قدرت حافظه بلندمدت، درک بهتر مفاهیم انتزاعی و ... متفاوت هستند و به همین دلیل به برنامه‌های آموزشی و پرورشی ویژه‌ای نیازمندند که بتواند بهتر از برنامه‌های عادی توانمندی‌های بالقوه آنان را بشناسد و به آن‌ها در جهت رشد و کوفایی شخصی و ایفای نقش مؤثر در جامعه کمک نماید.

مطالعه دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، مطالعه شباهتها و تفاوت‌ها در میان افراد است. دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در جنبه‌های خاصی با افراد دیگر متفاوتند، اما در اغلب جنبه‌ها، به دیگران شبیه هستند. استثنائات و تفاوت‌ها نباید امکان آن را بیابند که شباهت موقعیت دانش‌آموزان با نیازهای ویژه را به موقعیت دیگر دانش‌آموزان تحت الشعاع قرار دهند. ما، بین یک استثنا که ناتوانی است و یک استثنا که معلولیت است فرق قابل هستیم. ناتوانی به معنی ضعف در انجام بعضی کارهاست. معلولیت، نوعی ضعف است که ممکن است بر فردی تحمیل شود. ناتوانی ممکن است معلولیت باشد یا نباشد. برای هدفهای آموزشی، دانش‌آموزان با نیازهای ویژه را چنین تعریف می‌کنند: افرادی که برای دستیابی به سطح کامل توانمندی‌های انسانی خود، نیازمند آموزش ویژه و خدمات وابسته به آن هستند. در آموزش ویژه سعی بر آن است که مطمئن شویم معلولیت‌های دانش‌آموزان منحصر به آن ویژگی‌هایی است که نمی‌توان آنها را تغییر داد. در حال حاضر، ارقام دولتی نشان می‌دهند که تقریباً از هر ده دانش‌آموز یکی دارای نیازهای ویژه شناخته می‌شود و خدمات ویژه دریافت می‌کند. بیشتر کودکان و جوانانی که با نیازهای ویژه شناخته شده‌اند، در سنین بین شش و هفت سالگی قرار دارند، هرچند شناسایی خردسالان و بزرگسالان جوان ناتوان نیز، در حال افزایش است.

آموزش ویژه، آموزش برنامه ریزی شده خاصی است که نیازهای غیر معمول دانش آموزان با نیازهای ویژه را برآورده می کند. مهم ترین هدف آموزش ویژه، یافتن توانایی های دانش آموزان با نیازهای ویژه و سرمایه گذاری روی آنهاست. آموزش ویژه را ممکن است در انواع طرحهای اجرایی، آماده کرد. گاهی معلم کلاس عادی انتظار می رود که با مشورت با سایر متخصصان، مانند روان شناسان، معلمان باتجربه با آموزش دیده تر، به دانش آموزان با نیازهای ویژه زیادی در کلاس عادی خود خدمت ارایه کند. معلم سیار که از مدرسه ای به مدرسه دیگر می رود و معلم منبع، بعضی از دانش آموزان با نیازهای ویژه را حمایت می کنند. معلمان سیار یا منبع، ممکن است دانش آموزان را به صورت فردی یا در گروههای کوچک برای مدت معینی از روزتدریس کنند و به معلمان کلاس عادی یاری رسانند. گاهی دانش آموزان را در یک مرکز تشخیصی - تجویزی مستقر می کنند و بدین سان، می توانند نیازهای ویژه آنان را تعیین کنند. کلاس خودکفای ویژه برای گروه کوچکی از دانش آموزان به کار می رود که معمولاً تمام یا بیشتر روز را در کلاس ویژه درس می خوانند. مدرسه های روزانه ویژه گاهی برای دانش آموزانی تهیه می شوند که ناتوانی های آنان تجهیزات و روش های خاصی را برای مراقبت و آموزش ایجاب می کنند. آموزش بیمارستانی و محدود به خانه هنگامی ارایه می شود که دانش آموز قادر نیست به کلاس های معمولی برود. سرانجام، مدرسه شبانه روزی خدمات آموزشی و مدیریت محیط زندگی روزانه را برای دانش آموزان ناتوان که باید تمام روز تحت مراقبت باشند، فراهم می کند.

قانون کنونی خواهان آن است که هر کودک و جوان با نیازهای ویژه، در محیط با کمترین محدودیت (LRE) جا گماری شود تا مداخله آموزشی با نیازهای فرد هماهنگ باشد و با آزادی و رشد توان او، برخورد نکند. همه معلمان باید آماده سر و کار داشتن با دانش آموزان نیازهای ویژه باشند؛ زیرا بسیاری از این دانش آموزان بخشی از روز را در کلاس های عادی مستقر هستند. افزون بر این، بسیاری از دانش آموزان با نیازهای ویژه شناسایی نشده اند و دارای برخی از ویژگی های ناتوانی یا تیزهوشی هستند. آموزش عمومی و آموزش ویژه باید رابطه همکاری و تقسیم مسئولیت برای دانش آموزان با نیازهای ویژه داشته باشند، ولی نقش معلمان آموزش ویژه و معلمان عمومی همیشه روشن نیست. هر دو ممکن است با انجام حداکثر تلاش در برآوردن نیازهای فردی دانش آموزان، با ارزیابی توانایی ها و ناتوانی های تحصیلی، ارجاع دانش آموزان برای ارزیابی بیشتر، شرکت در جلسه های واجد شرایط بودن دانش آموز، تنظیم برنامه های آموزش انفرادی (IEPS)، ارتباط با والدین، شرکت در فرصتهای اظهارنظر فرایند دادرخواست و همکاری با سایر متخصصان، در آموزش دانش آموزان با نیازهای ویژه مشارکت کنند. به علاوه معلمان آموزش ویژه باید تخصص ویژه ای در آموزش کودکان دارای مشکلات یادگیری، مدیریت مشکلات رفتاری جدید، به کار بردن وسایل کمکی فن آوری، و تفسیر قوانین مرتبط با آموزش ویژه داشته باشند.

کوشش های منظمی برای آموزش دانش آموزان ناتوان، به ویژه آنها که دارای عقب ماندگی ذهنی و اختلال های هیجانی و رفتاری هستند. در اوایل سالهای ۱۸۰۰ آغاز شد. پزشکان اروپایی مانند ایثار و سکن در این کوشش ها، پیشگام بودند.

اندیشه های انقلابی آنان شامل آموزش انفرادی، تنظیم کارهای آموزشی کاملاً متوالی، تأکید بر انگیزش و بیدار کردن حواس کودک، مرتب کردن دقیق محیط کودک، دادن پاداش فوری به عملکرد درست، تعلیم مهارت های کارکردی، و اعتقاد به اینکه هر کودک باید تا بیشترین حد ممکن آموزش ببیند، بود. هاو و گالودت، فنون و اندیشه های آموزش ویژه را به ایالات متحده آوردند بسیاری از رشته های تحصیلی دیگر، به ویژه روان شناسی و جامعه شناسی، در پیدایش آموزش ویژه به عنوان یک حرفه درگیر بوده اند. بیشترین پیشرفت در آموزش ویژه ناشی از کوشش های سازمانهای حرفه ای و والدین است پژوهش، سازمانهایی مانند انجمن شهروندان عقب مانده (ARC) والدین، مدرسه ها، و عامه مردم را با اطلاعاتی درباره استثنایها و با ساختاری برای دستیابی به خدمات مورد نیاز مجهز میکند.

میانی قانونی آموزش ویژه در طول سالها، از قانونگذاری های سهل گیرانه که اجازه سرمایه گذاری برای برنامه های آموزش ویژه را می داد تا قانونگذاری های اجباری که این نوع هزینه ها را لازم می داند تکامل یافته است. تعهد عصر کنونی به این اصل که هر فرد حق زندگی بهنجار و آموزش تا حد ممکن را دارد، قانون گذاری و دادرخواستی زیادی را در سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به دنبال داشته است. قانون آموزش ویژه از نظر تاریخی به طور روزافزونی مشخص و الزام آور شده است. قانون آموزش افراد ناتوان ملزم کرده است که هر سامانه مدرسه ای در کشور برای دریافت وجوه قانونی، باید برای آموزش مناسب و رایگان برای هر کودک و نوجوان ناتوان آینده نگری کند.

منظور عمده قانون آموزش ویژه این بوده است که معلمان را ملزم کند تا به نیازهای تکتک دانش آموزان توجه کنند. از این رو خصیصه اصلی قانون آموزش افراد ناتوان (IDEA) این خواسته می باشد که هر دانش آموز دریافت کننده قانونی آموزش ویژه، باید برنامه آموزش انفرادی (IEP) داشته باشد. این برنامه، یک طرح مکتوب است که والدین یا قیم کودک باید آن را بپذیرند، طرحی که آنچه را که در زیر آمده است، برای هر حوزه ناتوانی مشخص می کند: (۱) سطوح کنونی عملکرد دانش آموز؛ (۲) هدفهای سالانه؛ (۳) غایتها یا ملاکهای آموزشی کوتاه مدت؛ (۴) خدمات ویژه ای که باید فراهم شود و حد شرکت دانش آموز در آموزش عادی؛ (۵) طرحهایی برای راه اندازی خدمات و مدت مورد انتظار آنها (۶) طرح هایی برای ارزیابی؛ و (۷) برای دانش آموز مسن تر، خدمات لازم برای تصمیم انتقال از مدرسه به کار با آموزش بالاتر، این هدف ها بر این نظر میشنی هستند که آموزش ویژه باید انفرادی، فشرده مداوم، فوری، و هدفمند باشد. آموزش ویژه در طی قرن گذشته، پیشرفت زیادی کرده است. این برنامه اکنون بخشی از آموزش عمومی آمریکا است، نه یک استثنا با آزمایش. والدین دانش آموزان ناتوان اکنون مشارکت بیشتری با آموزش فرزندان خود دارند. این پیشرفت تا حدی به علت وجود قوانینی است که خواهان آموزش مناسب و دیگر خدمات برای افراد ناتوانند.

بخش ورزشی

آشنایی با بهترین زمان برای کوهنوردی



نویسنده: عرفان مختارپور هاشجین

(دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی پردیس شهید چمران تهران)



یکی از نکات مهم در موفقیت و ایمنی صعود قله انتخاب بهترین زمان برای کوهنوردی است. این عامل می تواند تحت تاثیر چند فاکتور قرار بگیرد که از بین آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

□ فصل سال:

صعود بسیاری از قله در تابستان با زمستان تفاوت جدی دارد. مسیرهایی که در تابستان به راحتی قابل صعود هستند ممکن است در زمستان به طور کلی تغییر شکل دهند.

□ بهترین زمان بر اساس شرایط آب و هوایی:

بارش برف تازه می تواند باعث ایجاد خطر بالقوه بهمن شود. از طرف دیگر حرکت در هوای خراب و بدون توجه به شرایط هوایی یکی از مشکلاتی است که همراه باعث افزایش سایر خطرات در کوهنوردی میشود.

□ ساعت روز:

شما باید ساعتی از روز را برای رسیدن به قله انتخاب کنید که زمان کافی برای بازگشت داشته باشید.

□ عوامل موثر بر تعیین بهترین زمان برای کوهنوردی

□ فصل صعود چیست؟

فصل صعود اصطلاحاً به زمانی اطلاق می شود که آب و هوای یک قله در پایدارترین وضعیت خود قرار دارد. در قله پرتردد در این موقع از سال تعداد زیادی از کوهنوردان اقدام به صعود می کنند. به طور معمول این دوره بهترین زمان برای کوهنوردی در قله مورد نظر به حساب می رود، مگر اینکه کوهنوردان به دنبال صعودهای خاص تر مانند صعود زمستانی باشند.

برای درک بیشتر این تغییرات یک مثال برای شما می زنیم. دمای قله توچال در فصل تابستان و در اواسط روز حدود ۱۰-۲۰ درجه بالای صفر است. دمای هوای همین قله در فصل زمستان در یک روز هوای خوب ۱۰-۲۰ درجه زیر صفر خواهد بود که به معنای اختلاف دمای حدود ۴۰ درجه می باشد. با افزایش سرعت باد دمای حسی از این هم پایینتر می رود.

نکته مهم دیگر در مورد فصل صعود این است که معمولاً بر اساس تجارب سالهای قبل تعیین و معرفی میشود. به این معنا که در طول سالیان کوهنوردان مراجعه کننده به یک کوه به دلایل مختلف تشخیص داده اند که بهترین زمان برای کوهنوردی در یک کوه، ماههای خاص از سال است. پس این یک دانش گذشته نگر است و باید دقت کرد که شرایط می تواند حتی در فصل صعود هم به سرعت تغییر کند.

درک آب و هوا

آب و هوای کوهستانی غیرقابل پیش بینی است. حتی بهترین پیش بینی آب و هوا گاهی اوقات نادرست از آب در می آید.

این بدان معناست که می‌توانید در یک صبح آفتابی به بیرون بروید و فکر کنید که یک روز آرام برای کوهپیمایی در پیش دارید، فقط می‌بینید که در اواسط صبح چند ابر جمع می‌شوند و در حوالی ناهار در طوفان رعد و برق گیر می‌کنند. این بد است و می‌تواند پیامدهای جدی برای ایمنی شما داشته باشد.

درک آب و هوای کوهستانی برای برنامه ریزی سفر و مطالعه آب و هوا در حین کوهنوردی کمی مزیت به شما می‌دهد. توجه داشته باشید که افزایش ارتفاع باعث افزایش باد و بارندگی (اعم از باران یا برف) می‌شود. همراه با این مورد در ازای هر ۱۰۰۰ متر ارتفاع گرفتن نیز دمای هوای تقریباً ۶ درجه کاهش پیدا می‌کند. این مساله بدان معناست که آب و هوای کوهستان به طور کلی سردتر، مرطوب تر و بادخیزتر از مناطق کم ارتفاع اطراف کوه است. در اینجا چند نکته اساسی وجود دارد که هنگام بررسی آب و هوا برای سفر خود باید از آنها استفاده کنید:

□ پیش بینی آب و هوا و تفاوت آن در زمستان

آب و هوا را به صورت آنلاین برای مکان واقعی صعود خود بررسی کنید، نه نزدیکترین شهر. نزدیکترین شهر می‌تواند چند کیلومتر دورتر از مسیر برنامه‌ریزی شده شما باشد، که تأثیر قابل‌توجهی بر آنچه احتمالاً با آن روبرو خواهید شد، دارد. فقط دما را بررسی نکنید – به سرعت باد و پیش بینی بارش نیز توجه داشته باشید.

به نقل از mountainhomies اکثر سایت های هواشناسی یک پیش بینی ساعتی دارند. این نشان دهنده بسیاری از موارد اضافی مانند ارتفاع یخبندان و بسیاری از چیزهای مفید است که به شما کمک می‌کند از قبل برنامه ریزی کنید و به طور بالقوه سفر خود را یک یا دو روز به تعویق بیندازید. مردم محلی

مردم محلی و به خصوص کوهنوردان بومی، منطقه خود و آب و هوای آن را می‌شناسند. آن‌ها می‌توانند به شما بگویند که چه زمانی مناسب اجرای برنامه است، چه چیزهایی معمولاً اشتباه می‌شوند و مواردی که باید در کوهستان مراقب آنها باشید چیست.

آن‌ها می‌توانند به شما بگویند که هوا معمولاً چگونه تغییر می‌کند، باران از کدام جهت می‌آید و واقعاً شب‌ها چقدر سرد است.

□ نگاه کردن به آسمان

این مهم ترین ابزار شما در هنگام کوهنوردی است. اگر می‌بینید که آب و هوا سریعتر از حد انتظار تغییر می‌کند، برنامه های خود را بر اساس آن تنظیم کنید. گیر کردن در هوای بد و در ارتفاعات اصولاً ایده خوبی نیست.

□ با کسب تجربه، در خواندن آب و هوای کوهستان بهتر خواهید شد. همراه شدن با افراد با تجربه به شما کمک خواهد کرد تا در این مورد زودتر به مهارت دست یابید.

□ ابرها را درک کنید

انواع ابرها نشان دهنده انواع مختلف آب و هوا هستند. شناخت انواع ابر و درک معنای آنها باعث میشود بتوانید بروز طوفان را پیش بینی کنید و احتمال شدت آنرا حدس بزنید: در اینجا به چند ابر اشاره کرده ایم که باید مراقب آنها باشید:

□ ابرهای عدسی شکل یا لنتیوکولار

اینها به دلیل شکل متمایز خود شناخته می‌شوند. وقتی اینها را با بادهای قوی همراه می‌بینید، می‌توانید شرط بندی کنید که در ۶ تا ۲۴ ساعت آینده طوفانی رخ دهد.

□ ابرهای سیروس

این ابرها در ارتفاعات بالا تشکیل می‌شوند. حضور تنهایی آنها معمولاً معنای بدی ندارد. اما اگر در ترکیب با ابرهای کم ارتفاع مشاهده شوند، احتمالاً می‌توانید انتظار بارش باران را داشته باشید.

□ ابرهای کومولوس

ابر کومولونیمبوس

این ابرها بزرگ و پف کرده هستند و معمولاً آب و هوای مناسب را نشان می‌دهند. با این حال، اگر بزرگتر شوند و سرها و برآمدگی های زیادی را ایجاد کنند، آب و هوای بدی را به همراه خواهند داشت: آنها به ابرهای کومولونیمبوس تبدیل می‌شوند که تگرگ، باد شدید و رعد و برق را به همراه می‌آورند. ابرهای کومولونیمبوس رشد عمودی بارزی داشته و معمولاً از ارتفاعات پایین تا ارتفاعات بسیار بالاتر کشیده میشوند.

سایر شاخص های طوفان



علائم دیگری وجود دارد که باید در مورد آب و هوا مراقب آنها باشید. در ادامه به برخی از آنها اشاره می کنیم:

□ افت فشار هوا

افت فشار هوا نشان دهنده نزدیک شدن طوفان است. برای تشخیص این تغییر باید فشارسنج به همراه داشته باشید. توجه داشته باشید که افزایش ارتفاع نیز باعث افت فشار هوا نیز می شود، بنابراین قبل از ترسیدن به آن توجه کنید.

□ هوای ارتفاع بالاتر همیشه بدتر است

اگر شرایط آب و هوایی در ارتفاعات پایینتر به طور نسبی بد است، به احتمال زیاد در ارتفاع بالاتر شرایط بدتری انتظار تان را می کشد. با این حال استثناهایی هم وجود دارد، زیرا گاهی اوقات یک سیستم ابری تنها بر ارتفاعات پایینتر تاثیر می گذارد. در این حالت ممکن است از میان ابرها عبور کرده و به بالای آنها بروید.

□ پنجره آب و هوایی چیست؟

پنجره آب و هوایی اصطلاحاً به فاصله زمانی محدودی گفته میشود که انتظار می رود در آن مدت، شرایط آب و هوا برای انجام یک پروژه خاص مانند اجرای خطوط لوله دریایی، صعود به یک کوه مرتفع، پرتاب ماهواره و غیره مناسب باشد.

□ تعیین پنجره آب و هوایی برای شناسایی:

بهترین زمان برای کوهنوردی اهمیت حیاتی دارد. در اینجا شما باید یک دوره هوایی مناسب پیدا کنید که فرصت کافی برای اجرای برنامه و به پایان رساندن آن را به شما بدهد. اشتباه کردن در انتخاب دوره آب و هوایی مناسب می تواند به معنای برخورد با طوفان باشد. اتفاقی این چنینی در سال ۱۹۹۶ باعث بروز یک تراژدی در قله اورست و از دست رفتن جان چند نفر از کوهنوردان شد.

برای تعیین زمان مناسب کوهنوردی به غیر از شرایط فصل و پنجره آب و هوایی مناسب، تعیین ساعت مناسب روز به دو دلیل اهمیت دارد. اول اینکه نور روز تشخیص مسیرها را آسان می کند، پس برنامه های کوهنوردی باید طوری تنظیم شوند که در پایان روشنایی به اتمام برسند. این قاعده ای است که ما آنرا به عنوان قانون ساعت ۱۴ نیز می شناسیم. قانون ساعت ۱۴ می گوید “در ساعت ۲ بعد از ظهر به هر جا که رسیدی برگرد.”

دلیل دوم در مورد تنظیم بهترین زمان برای کوهنوردی این است که به طور معمول هوای کوهستان در بعد از ظهر ناپایدارتر است. پس باید در این زمان در مسیر کاهش ارتفاع یا بازگشت قرار گرفته باشید.

یکی از راههای اصلی استفاده حداکثری از طول روز به خصوص در روزهای کوتاه زمستانی استارت برنامه در صبح بسیار زود یا حتی نیمه شب (استارت آلپی) می باشد. در این حالت کوهنوردان امکان آنرا دارند که از نور روز و پایداری هوای صبح بیشترین بهره را ببرند.

در جمع بندی باید گفته که انتخاب بهترین زمان برای کوهنوردی تابع فصل صعود، وضعیت آب و هوایی و زمان بندی در طول روز می باشد. در نظر گرفتن هر سه مورد برای برنامه ریزی کوهنوردی به خصوص در برنامه های چند روزه اهمیت جدی دارد و باعث کنترل هر چه بیشتر شرایط در مواجهه با خطرات کوهنوردی می شود. به یاد داشته باشید که حتی در فصول گرم سال نیز احتمال تغییرات جدی آب و هوایی هست.

بخش مذهبی

آشنایی بیشتر با زندگانی حضرت علی (ع)

نام نویسنده: پارسا کریمی

(دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی پردیس شهید چمران تهران)



خدایا شکرت. نمیتوانستم اشتیاق و سپاسگزاریم را برای این که ورودم به عرصه نشر با مدح امام علی علیه السلام آغاز شده است به شما ابراز نکنم. خدایا باورم نمیشود مدح علی(ع) را به من سپرده ای، من و مدح علی(ع)؟! اما چشم! گوش به فرمان تو میشوم و خودم را در این مسیر پراشتیاق به تو میسپارم: حتما در این مسیر که آغازش مزین به نام علی(ع) است خیر و برکت فراوانی قرار داده ای. خودت ما را از این دریای بیکران جرعه بنوشان و با مستی این معارف به قرب برسان.

عنوان: مولود کعبه

منبع: کتاب الامام علی ابن ابی طالب علیه السلام، تاریخ تحلیلی نیم قرن اول اسلام، جلد طلوع خورشید

نویسنده: عبدالفتاح عبدالمقصود از اهل تسنن، مترجم: آیت الله سید محمود طالقانی

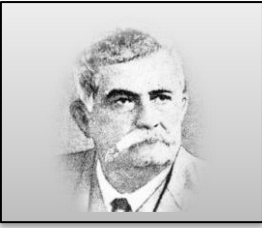
مخاطب: همه جهانیان به ویژه مسلمانان اعم از شیعه و سنی

تقدیم به همه پدران

به یاد پانزدهمین قرن ولادت

ای طایر قدسی، که از میان خانه خدا و جامه کعبه به روی فجر صادق و افق تیره چشم گشودی ، و با نسیم صبح حیات نغمه سر دادی ، آنگاه میان زمین و آسمان بال و پر گشودی و جهان را پرصدا کردی، شمت و سه بار با اوج و حضیض آفتاب منظومه عالم را درنوردیدی! سپس با پر و بال خونین و روی گلگون، از دریچه محراب در افق سرخ، روی نهان ساختی و در میان دو افق تیره و سرخ طلوع و غروبت عالم را میان شوق و حسرت متحیر گذاردی!! (با اندکی تغییر) ۱۳۷۸ هجری قمری

امام علی ابن ابیطالب، بزرگ بزرگان جهان و یکتا نسخه زمان بود که جهان شرق و غرب در عالم قدیم و جدید صورتی بسان این نسخه که مطابق اصل باشد به خود ندیده است!



شبلی شمیم

از پیشوایان منطق مادی

تاریخ این شخصیت عظیم تاریخی، این مظهر کامل کمال انسانی، این قدرت بی مانند حقخواهی، این اعجوبه خلقت، این نغمه فطرت، این مغز نافذ، این وجدان قاهر، این روح توانا، این بیان رسا، این دست مشکل گشا شنیدنی و خواندنی است، گرچه هزار بار شنیده و خوانده باشی!

اگر مغزی متفکر و اندیشمند داری فاصله های زمانی را از میان بردار و خود را پای کرسی درسش رسان تا تو را بوسیله کلمات موزون و پرمغزش از محیط محدود افکار فلاسفه جهان بیرون برد و با روح بلندپروازش به مبادی خلقت و نهایت آن رساند و اسباب مادی و علل فاعلی جهان وسیع و اتقان صنع و عوالم پشت پرده حس و حقیقت دنیا و آخرت، عمل را با نتیجه و نهایت سیر انسان، به تو بنمایاند.

اگر در اندیشه تربیت نفس و تنظیم اخلاق و جویای راه سلوک و حقیقت تقوایی، باید در مکتب جامع عرفان و تربیت او وارد شوی تا با همه قدرت و حکومت گسترده اش، کفش وصله دار و جامه کرباسین و نان جوین و همنشینی و انس با فقیر و مسکین او را بنگری، نیمه شب او را در نظر آری! آنگاه که همه در خوابند و تنها چشمان ستارگان و علی بیدار است که در میان نخلستان یا مسجد کوفه دستش را به سوی آسمان برداشته بدنش میلرزد و اشکش پی در پی می ریزد و از روز واپسین و مسئولیت سنگین خود نگران است!

اگر وجدانی بیدار و زنده داری و میخواهی با عواطف رقیق محرومها و دردمندان و شکست خورده‌گان در اجتماع ظالم پرور دمساز شوی، ناله و دود آه آنها را از زبان و قلب علی بنگر! اگر در اندیشه چاره هستی دست‌گیری را همچون او از آستین بیرون آر!

اگر جزء دسته ستمگران نیستی و جویای عدالت اجتماعی میباشی و بی پایه بودن مسلک‌های بشری را فهمیده‌ای و از شنیدن وعده‌های دروغ و فریبنده سران و مدعیان اصلاح خسته‌ای، حکومت پنج ساله علی را در مقابل چشم قرار ده و وظایف والی و طبقات اجتماع را از زبان حقگوی او بشنو و دستور او را به کار بند و افراد را برای درک و عمل بدان آماده و مستعد ساز!

اگر مرد میدان رزمی و میخواهی در برابر قوای متراکم اهریمن، در صف نظام علی درآیی، باید به یاد علی و همانند او لباس جنگ بر تن بیاری و بر اندیشه و دسته سلاح نام علی را نقش کنی و از روح قهرمانی و دست و بازوی او مددگیری و نمره تکبیر او را منعکس گردانی و گوش به فرمان او دهی.

اگر فقیهی... اگر متکلمی... اگر ادیبی... اگر خطیبی... اگر پیرو علی هستی باید فرد جامعی باشی چون همان او میزان جامع است:

او «ترازوی» احد خو بوده‌ای بل زبانه‌ی هر ترازو بوده‌ای

در این کتاب نویسنده توانا و محقق (عبدالفتاح عبدالمقصود) با بصیرت نافذی که دارد تا توانسته (مطابق نامش) درهای نوینی از تحقیق گشوده خود و دیگران را به هدف و مقصودی که دارد رسانیده با قلم آزادش پرده های ابهام را از میان برداشته پرارزش _ _ ترین وظیفه خدمت به جامعه اسلامی را انجام داده است. (بخشی از مقدمه مترجم کتاب طلوع خورشید، ص ۲۵ و ۲۶)

نوزاد کعبه و شهید محراب پا به جهان میگذارد!

آیا این هم مکرمت دیگری بود که دست تقدیر بوسیله آن آل هاشم را از دیگر خاندان های عرب جزیره برگزید و افتخاری بر افتخاراتشان افزود یا تصادفی بود که در ادواری بازی کرد؟! در سراسر ادوار گذشته صفحات زندگی این خاندان را مینگریم که از هر جهت در برابر چشمها می درخشد: مردان این خاندان سرورانی بودند که به جمال بزرگواریشان همه نفوس دلباخته و در سایه بلندپایه فضایلشان آرامش یافته اند: در میان آنان شریف بزرگمنش و کریم صاحب بخشش و عابد پارساروش بودند، چنانکه پیشروان به سوی فضایل و اخلاق به پای آن نمیرسند و این سجایا را نزد برگزیدگان مردم هم نمی یابند. زنان آنها نمونه عالی صفا و صحیفه های پاک طهارت و عفت بودند، در زمان و محیطی که بی اغراق همه زنان بدنام و آلوده دامان بودند، نام زنان این خاندان جز به پاکی در زبانها بده نمیشد. در پس این پرده درخشان بزرگواری و طهارت و تقوا سری نهفته بود که با ظهور و زندگی فردی برگزیده آشکارا گردید، برای آنکه از صلب و رحم این پدران و مادران چنین فرزندی رخ نماید خداوند آنان را به پاکی و عفت برگزید و آن لیاقت و استعدادشان بخشید که سرور خلایق را به جهان بخشند.

با همه اینها برتربیا و مکرمتی دیگر، به مردی از فرزندان هاشم بخشید و او را سرافرازی داد. این مرد نه ثروتی داشت که به او عزتی بخشد و نه فرزندان توانا و برومندی که بار سنگین عیالش را بردارند، بلکه زندگیش به بینوایی نزدیکتر بود، تنها بهره اش از دنیا نسب ارجمند و حسب پاک و برومند بود. از جهت مال نمیتوانست بر قریش سرافرازی کند زیرا بیشتر قریش از ملک و مال بهره کافی داشتند و او نداشت، گر چه مال هرچند که باشد نه پستی نسب را پر میسازد و نه نفوس و قلوب را چلب میکند و نه مالک حواس میشود. ابوطالب با زندگی فقیرانه روبه رو گردید، او آنگاه که عبدالمطلب از دنیا رفت، پا به سن گذارده بود و کوشش و کارش جبران فقرش را نمیکرد و خواسته اش را فراهم نمیساخت. میراث ریاست بر مردمرا هم عبدالمطلب برای فرزند دیگرش زیر وصیت کرد و ابوطالب را محروم ساخت، تنها روی خوش و عنایتی که دنیا بدین مرد بی چیز نشان داد همان عنایت و مکرمت محبوبی بود که آیت مکرمتها و برترین آرزوی آرزومندان به حساب می آمد.

از دیرباز، مقدسترین سرزمین نزد عرب سرزمین مکه و مقدسترین مکانهای آن سرزمین بیت العتیق و مقدسترین حریم بیت کعبه بود. با آنکه در آن روزگار مردم این سرزمین در منتهای گمراهی به سر میبردند و به کارهای زشت و پلید از هم پیشی میگرفتند، در این مکان جز با سر تراشیده و بدن پاک و غسل کرده طواف نمیکردند، از زمانیکه ابراهیم پایه اینخانه را بالا آورد، قرن‌ها میگذشت. عرب هیچ چیز را، هرچند در نظرش مقدس بود، مانند این خانه نمیدانست تا آنجا که در نهانی و در خاطر خود که شنوا و مراقبی نبود، نام آنرا جز با تعظیم و تقدیس متذکر نمیشد، برای انجام کارهای مهم در کنار بیت و در جوار کعبه پرده‌های کعبه تصمیم می‌گرفت، گویا میخواست خانه و پرده را بر خلوص نیت و تصمیم صادقانه خود گواه گیرد. کار و عهده‌یکه در آن مکان انجام میشد دارای قدس و معنویت گردید. پس مجاورت کعبه موجب اینگونه قدس و حرمت و مقام تعظیم بود. کعبه نزد عرب این پایه به هر چیزی از نظر ماوراء ظاهر مینگریست و متوجه معنی و واقع بود. هر پیشامدی را پیش از مبانی ظاهر، بر معانی واقع و پیش از دست کاری در جوار حرم و کعبه انجام میشد در نظر آن مردم احترامی به سزا داشت. زیرا چنین کاری از جهت برترین جوار و در مقدسترین مکان برترین شرف را میافت، چه رسد بدینکه پیشامدی چنین به طور تصادف و بدون سابقه و پیش بینی پیش آید، این پیشامد لطف و کرامتی از جانب خداوند بود که فرزند عبدالمطلب را با آن گرمی داشت و شرافتی بخشید که در زمان گذشته و آینده هیچکس را کم و بیش به چنین کرامتی سرفراز ننموده است. آن شب شب بیمانند بود، اختراش آنگونه که بر دنیا نور افشاند و چشمک زد، دیگر تکرار نشد. چه، اوضاع و امثال تکرار نمی‌شود. پس از آن نوری درخشان تر از نور اختران از پشت پرده ظلمت رخ نشان داد، سپس بالا آمد و چون روی خورشید اطراف آفاق را روشن ساخت و نور حیات بخشید. آن روی نوربخش را اگر در مبانی درخشان و دلربا مانندی باشد، از جهت معانی خیره کننده و قاهر، کم مانند بلکه بیمانند است^۱

اگر بتوانی رشته‌های درهم بافته زمان را بگسلی و از میان آن سر به در آری و به عکس امواج آن به سوی گذشته شنا کنی، دختر اسد فاطمه را میدیدی که برای تبرک به سوی خانه خدا میشتابد، زیرا مزایای اخلاقی و روحی خاندان بزرگش در وی جمع و قلبش مانند آنان پاک بود، پس از آن میدیدی به سوی کعبه روی آورد و بارها اطراف آن طواف کرد، در هنگام طواف گاهی پرده را مسح میکند گاهی میبوسد، چیزی نمیگذرد که مینگری پاهایش سست شده نزدیک است از پای در آید. ناچار دست به پرده کعبه میرساند و از آن کمک میجوید. در این وقت دردیرا احساس میکند که حساب آن از خاطرش رفته بود، با زحمت خود را نگاه میدارد، مانند کسیکه روی تپه‌شن سستی ایستاده پاهایش قرار نمیگیرد، از بیچارگی و حیرت به هر سو چشم میگرداند شاید در اطراف، شوهرش ابیطالب را ببیند و کمک از او جوید او هم دیده نمیشود چون پیش بینی این پیش آمد از حساب اوهم بیرون بود. پس از این اگر وی را جستجو کنی او را نمی‌یابی! چون نگران شد مبادا چشم مردمیکه در رواقها و گوشه و کنار بیت هستند او را بنگرند، ناگهان خود را بگوشه‌ای کشید و آهسته در میان پرده‌های کعبه از چشمها پنهان شد. تا اینجا مشاهدات چشم بود. اینک در مکاتی هستی که صدای او را میشنوی ولی در چشم انداز تو نیست چون از پرده مقدس حجاب گرفته ۲ فقط آثار حرکت و اگر در یک یک فضایل و معنویات بتوان مانندی برای او یافت در مجموع فضایل مانند ندارد اگر در فضایل مانند داشته باشد، اراده قاهر و قدرت مقاومتش بیمانند است.

۱_ اشاره لطیف و دقیقیست به روحیه و خلق امیرالمومنین (علی(ع)

همه ای را می شنوی، و ناله هایی به گوش میرسد که خودداری و بردباری آن را محدود میدارد، و گوش به درستی نمیتواند درکش کند. ناله ها سخت تر میشود گویا از عمق دره ایست و گوش با دقت درک میکند، سپس صدای رقیق و بریده بریده گریه _ ای با این ناله به هم آمیخته، آهنگش نازک، طنین انداز، بدون شدت وممتاز است. مانند نغمه مرغیکه اکنون چشمش تازه به شعاع فجر صادق یا اوان آن باز شده باشد. در این موقع تعجب و هراس تر در جای خود متحیر میسازد. طولی نمیکشد که دوباره فاطمه آشکار می شود ناتوان و رنگ پریده با اندام سست و لرزان؛ تازه مولود پیرا روی دست و در آغوش گرفته است که در میان پرده کعبه محکم پیچیده و میروند.

۲_سوره شریفه مریم، مریم را میستاید: که از مردم حجاب گرفت و خود را از انظار دور داشت تا آن لیاقت را یافت که روح القدس برایش متمثل گردید و وعده فرزندى چون مسیح را به او داد؛ و اتخذت من دونهم حجاباً این نوع ولادت جز برای فرزند دلبد فاطمه دختر اسد پیش نیامده است، و این افتخار نصیب هیچ مولودی نخواهد شد. خداوند این مولود و پدر و مادرش را باینگونه ولادت گرامی داشت. این کرامت نصیب نتیجه دو فرعی بود که از مبدا و ریشه هاشم روییده فاطمه و ابیطالب فرعا و نوادگان آن ریشه شریف و اصل بودند.

همینکه مردم متوجه شدند از هر سو به طرف این بانو روی آوردند تا او را کمک و دستگیری کنند و چشمهای خود را به طلعت این مولودیکه خانه خدا میلادش و جامه کعبه پیراهنش بود بهره مند و سیر سازند، مولودیکه شرافت و کرامت از دوجهت او را فراگرفته از یک سو وراثت خون پاک و نژاد تابناک از جهت دیگر شرافت میلاد. اگر مردم آنزمان میتوانستند از زمان خود چندسالی پیشتر آیند، چنانکه تو از آن واپس مانده ای، با چشم خود آن مولود را میدیدند که مرگ با همین شرافت و کرامت به استقبالش می آید. زیرا وقتی او را درمیابید که در خانه خدا و در حال نماز است. فاطمه دوست میداشت که بوسیله این فرزند نام پدرش را زنده بدارد باینجهت او را به نامی خواند که نام پدرش در معنا یکی و در لفظ جداست، با شوهرش درباره این مولود گفتگو داشت گفت: «نامش حیدره است».

ابطالب در انتخاب نام توفیق بیشتر داشت، زیرا فرزندش را از جهت میلاد مانند اصل و نسب بلندپایه اش در مقامی بس عالی نگریست گفت: «بلکه _ علی _ است!»

از اینجا زندگی مردی شروع می شود که پیوسته با امواج سهمگین روبه رو بود و با هولناکترین حوادث دوش به دوش پیش میرفت و با پاکترین خلائق، سرور پیمبران، همکاری و همقدمی نمود و سهمی از تکلیف سنگین و دشواریا به دوش کشید که خداوند به عهده گزیده امینش که ویرا برای هدایت جهانیان به وحی و رسالت خود مخصوص گردانید، گذارده بود.

علی سراسر عمرش را در پیروی از نمونه عالی کمال و فضیلت گذراند، در طفولیت خویشی فداکار و در جوانی صدیقی وفادار و همواره پیرو پیمبر بزرگوار و دلباخته رفتار و گفتار وی بود. در خلال این دوره و پس از آن، در مراحل گوناگون زندگیش، پیوسته ملازم آخرین حد کمال در اخلاق و افعال بود. چون قسمتی از طومار عمرش پیچیده شد و رهنمایش از دنیا درگذشت و از برابر چشمش دور شد، علی یگانه پیروی بود که پس از درگذشت صاحب پی، به درستی از وی راه و روش آموخته بود و به خوبی رساند و بر شاهراه مستقیم پیش رفت و اندکی هم از آن منحرف نگردید.(بخشی از کتاب طلوع خورشید، ص ۶۲ تا ۶۷، با اندکی ویرایش املائی کلمات)

منابع

- ۱: کتاب اختلالات یادگیری دکتر عزت الله نادری و مریم سیف نراقی (۱۳۹۹) انتشارات امیر کبیر تهران چاپ شانزدهم
- ۲: کتاب اختلالات یادگیری در خواندن دکتر مصطفی تبریزی (۱۳۹۹) انتشارات فراوان تهران چاپ چهاردهم
- ۳: کتاب اختلال های یادگیری (مبانی، ویژگی ها و تدریس موثر) دانیل پی. هالان / جان و. لویید / جیمز م. کافمن مارگارت پی. ویس / الیزابت ا. مارتینز (۱۳۹۸) انتشارات ارسباران تهران چاپ یازدهم
- ۴: کتاب دانش آموزان استثنایی (مقدمه ای بر آموزش ویژه)
دانیل هالاهان / جیمز کافمن
- ۵: کتاب روانشناسی کودکان استثنایی بر اساس DSM-5 مهدی گنجی
- ۶: وبسایت تخصصی کوهنوردی <https://mountainhomies.com/posts/mountaineering>
- ۷: سایت <https://kalabet.com/the-best-time-for-mountaineering>
- ۸: امام علی بن ابی طالب (ع): تاریخ تحلیلی نیم قرن اول اسلام: طلوع خورشید (جلد ۱) مؤلف: عبدالفتاح عبدالمقصود مترجم: سید محمد مهدی جعفری ناشر: سایه سخن تهران ۱۳۹۰